

حالا وقت دوباره زیستن است

ریحانه صادقی
منجم

از هر ۵ زن در دنیا، یک زن نوعی از کم توانی (یا به اصطلاح عمومی تر، معلولیت) را در زندگی خود تجربه می کند. این زنان می توانند مادران، فرزندان، رهبران، کارآفرینان، دانشمندان، و به طور کلی، افراد تأثیرگذار و بااهمیتی در جوامع خود باشند. با توانمندسازی و تعامل با زنان و دختران کم توان، خواهیم توانست جوامعی منعطف تر برای همه افراد بسازیم.

همان گونه که در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷ در باره وضعیت زنان و دختران کم توان آمده است، زنان و دختران کم توان، به سبب تبعیض های متعددی که از جهات گوناگون (بر اساس جنسیت، سن، نوع کم توانی و عوامل دیگر) با آن روبه رو هستند، از آسیب پذیرترین و به حاشیه رانده شده ترین اقشار جامعه به شمار می روند.

از منظر دیگر، زنان در سرتاسر دنیا، به سبب رویارویی با تبعیض های جنسیتی و خشونت بیشتر، در معرض اکتساب انواع کم توانی قرار دارند، و از جهتی، احتمال رویارویی زنان کم توان با خشونت یا سوء رفتار و مورد بی توجهی یا بهره کشی قرار گرفتن بیشتر است. این زنان بیشتر ممکن است از دسترسی به آموزش و تحصیلات، فرصت های شغلی، مسکن و مراقبت های سلامت محروم بمانند.

آمارها نشان می دهند ۵۸ درصد از دختران کم توان هرگز از سطح تحصیلات ابتدایی بالاتر نمی روند، نرخ باسواد جهانی زنان کم توان تنها یک درصد است، و تنها ۱۹/۶ درصد از زنان کم توان در سرتاسر جهان شاغل هستند. احتمال اینکه این زنان مورد خشونت های مبتنی بر جنسیت قرار گیرند ۲ تا ۳ برابر بیش از زنان دیگر است. زنان کم توان، هم چنین، معمولاً از حق گرفتن تصمیم های آگاهانه درباره بدن خود (از جمله تصمیم گیری درباره فرزندآوری خود) محروم اند.

چنین آمارهایی سبب شده اند بسیاری از افراد دلسوز دست به کار فعالیت در زمینه احقاق حقوق اولیه انسانی زنان کم توان شوند. یکی از این افراد استفانی ارتلوا (Stephanie Ortolova)، مؤسس و مدیر پیشین سازمان بین المللی زنان توان یافته (Women Enabled International)، است که این سازمان غیردولتی را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کرد.

دلیل تأسیس این سازمان در درجه اول ایجاد پلی میان ۲ مسئله حقوق افراد کم توان و حقوق زنان بود. پیش از آن، آژانس های حقوق زنان و متخصصان، سرمایه گذاران و فعالان این حوزه، مسئله کم توانی را خارج از حوزه فعالیت خود می دیدند و از آن چشم پوشی می کردند. کنشگران حقوق افراد کم توان نیز اغلب تمرکز بر زنان کم توان را از حوزه کاری خود خارج می دانستند. استفانی ارتلوا (فعال، متخصص و وکیل حوزه حقوق بشر) که خود یکی از همین زنان دارای کم توانی جسمی بود، به خوبی از شکاف موجود در این زمینه آگاهی داشت. به همین سبب، در صدر رفع آن برآمد. ارتلوا با تأسیس سازمان زنان توان یافته (WEI) آغازگر کنشگری در نقطه تلاقی مسئله جنسیت و کم توانی، در واکنش به تجربه های زیسته زنان و دختران کم توان، و برای ترویج پذیرش این زنان و مشارکت آن ها در جامعه به منظور دستیابی به برابری تحول آفرین بوده است.

در طول سال های گذشته، WEI از یک پروژه تک نفره فراتر رفت، رشد کرد و به سازمانی پویا متشکل از افراد مستعد تبدیل شد. این افراد در این سازمان رؤیای ساختن جهانی را در سر می پروراند که در آن زنان و دختران کم توان حقوق انسانی خود را مطالبه می کنند، با اتحاد و هم بستگی عمل می کنند و حق تعیین سرنوشت خود را به دست می گیرند.

این سازمان در زمینه آموزش و رای زنی برای حقوق انسانی همه زنان و دختران، و با تمرکز ویژه بر حقوق زنان و دختران کم توان، از طریق همکاری با سایر سازمان های بین المللی فعال در زمینه توانمندسازی این زنان فعالیت می کند. فعالیت های این سازمان عبارت اند از: ارائه برنامه و دوره های آموزشی در زمینه حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه، در حال گذار یا در وضعیت پساجنگی، ارائه مشاوره به دولت ها یا سازمان های غیردولتی و بین المللی برای اطمینان از حضور و توجه به زنان و دختران کم توان در سیاست گذاری ها و برنامه های توسعه و مراحل اجرایی این برنامه ها.

منبع:

<https://www.unwomen.org/en/news/stories/۱۲/۲۰۱۷/compilation-international-day-of-persons-with-disabilities>



شهربانو

۲۳ شهریور
۸ آذر ۱۴۰۰
۲۳ شهریور ۱۴۲۲ شماره ۲۵۴

(۷)



یک بام و دو هوای آموزش حضوری و آنلاین

جمعیتی از مادران مقابل در مدرسه منتظر ایستاده اند. چند نفر از آن ها با حرارت مشغول گفت و گو و اظهار نظر درباره بازگشایی مدارس اند و از اینکه هر روز در میانه وقت کاری خود باید برای بردن و آوردن بچه هایشان به مدرسه با مشکلات فراوانی محل کار خویش را ترک کنند گله مندند. مادر دیگری به جمع آن ها می پیوندد و از بی نظمی پیش آمده در درس و نوبت آموزش آنلاین دختر دبیرستانی اش شاکی است. می گوید کلاس های حضوری در کل یک ساعت است که ۴۵ دقیقه آن هم به فراهم آوردن شرایط ایجاد ارتباط آنلاین با دانش آموزان در خانه یا ساکت و آماده کردن دانش آموزان حاضر در مدرسه می گذرد. در نهایت هم کیفیت صدا یا تصویر برای بچه های آموزش گیرنده در منزل مناسب نیست و چیز زیادی از همان یک ربع باقی مانده کلاس نیز دستگیرشان نمی شود. کلاس ها تهویه مناسبی ندارند. باز گذاشتن پنجره در هوای سرد هم بچه ها سرما می خورند. دیگران با تأیید این مشکلات، اعتقاد دارند این یک بام و دو هوای حضوری و آنلاین نه تنها برای بچه ها بار علمی چندانی به دنبال نخواهد داشت که نگرانی ها و بار مسئولیت مادران را هم سنگین تر کرده است.

آنچه گفته شد تنها بخش ناچیزی از مشکلات و نگرانی های مدارس و خانواده ها به ویژه مادران درباره درس و تحصیل فرزندان با شرایط موجود است. همان طور که می دانیم، سرانجام اول آذر پس از چالش ها و گفت و شنودهای بسیار، زنگ مدارس پس از ۲۱ ماه به صدا درآمد. به یقین مدرسه بدون حضور دانش آموزان و شیطنت ها و بازیگوشی هایشان خالی از روح و معناست. مادران بسیاری که علاوه بر نقش مادری خود، در این ماه ها نقش معلم و ناظم فرزندان شان را هم بازی می کردند، اندک اندک از ادامه این روند ابراز خستگی و فرسودگی کردند و با وجود ترس از شرایط بهداشتی و ابتلا به کرونایی که بنا به آمار رسمی هم چنان روزانه جان حدود صد نفر از هموطنانمان را می گیرد، کم کم در دل، به بازگشایی مدارس رضایت دادند. اما به نظر می رسد رؤیای بچه ها، مادران و معلمان با مدل نیمه حضوری و با ادامه این سبک و سیاق می تواند به کابوسی بدل شود که مشکلاتش دامان همه را بگیرد.

در حقیقت، پس از گذشت نزدیک به ۲ سال آموزش آنلاین، هم دانش آموزان و خانواده ها و هم آموزگاران به این شیوه تحصیل عادت کرده و به نظمی قابل قبول رسیده بودند که بازگشایی مدارس با دستورالعمل نیمه حضوری به طور اجباری ابلاغ شد. این موضوع با توجه به شیوه نامه های بهداشتی کرونایی با مشکلاتی همراه است. یکی از آن ها نبود سرویس دهی منظم است که به تنهایی می تواند دشواری های بسیاری برای خانواده ها به ویژه شاغلان ایجاد کند. بسیاری از مادران زمان زیادی برای بردن و آوردن فرزندان شان از مدرسه آن هم فقط برای یک ساعت حضور در کلاس صرف می کنند که در کنار وظیفه جاری کمک معلمی شان در خانه، در بلندمدت فرسایشی و خسته کننده خواهد بود. از سوی دیگر، به نظر می رسد زمان کوتاه کلاس های حضوری کارآمدی و بهره وری اندکی به همراه دارد و آموشد به مدرسه برای یک ساعت کلاس حضوری وقت زیادی از دانش آموزان و ساعات درسی راتلف می کند. هم چنین رعایت پروتکل ها و فاصله اجتماعی و نگرانی از ابتلا به کرونا، فاصله ای را میان دانش آموزان و آموزگاران ایجاد می کند که معنای ارتباطی گذشته شاگرد و معلمی را تحت الشعاع قرار می دهد. از سوی دیگر، عادی انگاری ها و رعایت نشدن پروتکل ها هم به طور درخور توجهی در کنار همه بی نظمی ها و کاستی های آموزشی و پرورشی در این حضور نصفه و نیمه، نگرانی والدین را می افزاید. رسانه ها از زنگ هشدار ابتلا به آنفلوآنزا خبر می دهند و وزارت بهداشت از لزوم غربالگری روزانه دانش آموزان در مدارس به لحاظ علائم کرونایی می گوید. معاون بهداشت وزارت بهداشت هم مدارس را نقطه آسیب پذیر ورود به موج ششم معرفی می کند و دبیر علمی کمیته ملی کرونا می گوید که شیوه نامه های بهداشتی آن گونه که باید در مدارس اجرا نمی شود. این هشدارها در کنار آمارهای افزایشی ابتلا و مرگ و میر کرونا در دنیا و خطراتی که سلامتی جامعه را تهدید می کند، به علاوه کاهش بهره وری آموزشی دانش آموزان در میانه آزمون و خطاهای حدود ۲ سال گذشته، همگی، اضطراب و مشکلات خانواده ها درباره سلامتی جسمی، روحی و آینده فرزندان شان را دوچندان می کند. بنابراین این بار انتظار می رود با توجه به تجربیات ۲ سال گذشته، پیش از اینکه هزینه زیادی بپردازیم، به تصمیمات درستی برسیم.

